

Visual Rhythms. The Workshop on Social Media Visualization (SocMedVis) in conjunction with The Sixth International AAAI Conference on Weblogs and Social Media (ICWSM-12). Dublin, Ireland, June 2012.

Hu, Yuheng; Manikonda, Lydia; Kambhampati, Subbarao (2012) WhatWe Instagram: A First Analysis of Instagram Photo Content and User Types, International AAAI Conference on Weblogs and Social Media.

Mayfield, Antony (2008) What is social media?, e-book available at this URL: [http://www.icrossing.co.uk/fileadmin/uploads/eBooks/What\\_is\\_Social\\_Media\\_iCrossing\\_ebook.pdf](http://www.icrossing.co.uk/fileadmin/uploads/eBooks/What_is_Social_Media_iCrossing_ebook.pdf)

Kellner, Douglas (2002) Media Spectacle, London: Routledge.

Marwick, Alice; boyd, danah (2011) To See and Be Seen: Celebrity Practice on Twitter, Convergence: The International Journal of Research into New Media Technologies, Vol. 17(2), 139-158.

Nayar, Pramod K (2009) Seeing Stars: Spectacle, Society and Celebrity Culture, SAGE Publications India.

Phua, Joe; Venus Jin, Seung; Hahm, Jung Min (2017). Celebrity-endorsed e-cigarette brand Instagram advertisements: Effects on young adults' attitudes towards e-cigarettes and smoking intentions. Journal of Health Psychology: 1- 11.

Silva, T.H.; de Melo, P.O.S.V.; Almeida, J.M.; Salles, J.; Loureiro, A.A.F. (2013) A Picture of Instagram is Worth More Than a Thousand Words: Workload Characterization and Application, 2013 IEEE International Conference on Distributed Computing in Sensor Systems (DCOSS).

Sullivan, John L. (2013) Media Audiences: Effects, Users, Institutions, and Power, SAGE Publications.

Tiidenberg, Katrin; Baym, Nancy K. (2017). Learn It, Buy It, Work It: Intensive Pregnancy on Instagram. Social Media + Society. January-March 2017: 1-13.

Zappavigna, Michele (2016). Social media photography: construing subjectivity in Instagram images. Visual Communication. 15 (3): 271-292.

## رخداد، توپولوژی و شکل‌گیری سوژه سیاسی

• حامد کیا

### چکیده

مقاله حاضر بررسی نظری مسئله شکل‌گیری سوژه سیاسی در زمینه‌ای است که نظم سیاسی گفتمان دچار رخداد می‌شود. برای این منظور، وضعیت انقیاد سوژگی در گفتمان را تحلیل خواهیم کرد سپس به مفهوم توپولوژی و رابطه شکل‌گیری سوژگی با دال‌ها و توصیف تخطی سوژه از قواعد گفتمان می‌پردازیم. بنابراین، تغییر در گفتمان بین سوژه و فضای پیرامون او در فضای توپولوژی شکل می‌گیرد. در این رابطه، سیاست را در دو وضعیت در نظر می‌گیریم؛ ۱- سیاست به‌عنوان نگاه دارنده وضعیت نظم گفتمان، و ۲- سیاست در قالب تغییر وضع موجود و ایجاد نظم نوین. در نتیجه، رخدادها در نظم گفتمان آستانه تغییر را ایجاد می‌کنند. دال‌های معمول از معنا تهی و با مفاهیم جدید پر می‌شوند و به واسطه آن سوژه به گونه‌ای با بیرون پیوند می‌خورد که به ظهور سیاست‌های نوین دامن می‌زند.

### واژگان کلیدی:

سوژه سیاسی، توپولوژی، رخداد، گفتمان

ردوبدل شدن معنای مشترک محقق می‌شود؛ بنابراین چون از دال و معنای آن‌ها صحبت کردیم، پس می‌توانیم فضای هرزمونیک را مشابه با موقعیت زمانی در نظر بگیریم که بر اساس آن سوزه می‌تواند با اطراف خود رابطه برقرار کند (میلووانوویچ، ۱۹۹۲: ۳۲). از این دیدگاه، از خلال فضایی هرزمونیک سوزه می‌تواند با پیروی از قوانین ابتدا تصویری از جهان بیرونی خود به دست آورد و بعد دست به برقراری ارتباط بزند. بر این اساس، فرد جهان بیرونی را با جهان درونی خود پیوند می‌زند و وارد دایره معارفی از شناخت جهان می‌شود (اوسولیان، ۲۰۱۰: ۶) که هرزمونیک است؛ بنابراین، فرهنگ دارای وضعیت هرزمونیک است؛ یعنی هویت‌ها در تلاش برای تطابق با انتظارات سیاسی، فرهنگی و اجتماعی هستند. پس، سوزه برای کسب موقعیت نیاز به پذیرفتن شرایط هرزمونیک فرهنگ دارد. گفتمان فضای قوانین و هنجارهای اخلاقی است. از این دیدگاه گفتمان همان قانون‌های رفتاری و دال‌های تثبیت‌شده‌ای است که سوزه می‌تواند به‌وسیله آن‌ها خود را بیان کند و صاحب جایگاه مشروع شود. در نتیجه برای حفظ موقعیت در گفتمان و از دست ندادن مشروعیت، سوزه می‌بایست مدام وفاداری خود را به قانون ثابت کند و این عمل با تکرار نقشی است که بر عهده دارد (باتلر، ۱۹۹۷: ۱۱۹).

در نظریه باتلر «هویت در فرایند تکرار شکل می‌گیرد» (همان: ۵۱۹)؛ به مفهومی با اجرای تکرار است که گفتمان و قوانین آن بر فرد تأثیر می‌گذارد. تکرار به‌مرور سوزه را هویت می‌بخشد. هویت بخشی با نظام بیولوژیکی فرد آمیخته می‌شود و حاصل خود را در علم نیوروبیولوژی<sup>۱</sup> (رجوع کنید به کریسنر، ۲۰۱۳: ۲۲۶) نشان می‌دهد. در این فرایند قوانین رفتاری به ناخودآگاه منتقل می‌شوند؛ همچنین پردازش اطلاعات و دست‌نخورهای رفتاری که فرد از مغز خود دریافت می‌کند، تحت تأثیر این جریان است. در نتیجه، تکرار رفتارهای مورد تأیید گفتمان به شکل یافتن بدن‌های طبیعی<sup>۲</sup> منجر می‌شود؛ سوزه‌هایی که دارای بدن‌های طبیعی هستند، یا به‌عبارتی دیگر، بدن‌هایی که صاحب اخلاق گفتمانی هستند.

بدن‌های طبیعی، در حقیقت، ساختارهایی هستند که می‌توان آن‌ها را ساختار شکنی کرد و این مسئله به‌طور مثال در مورد هویت‌های جنسیتی نوینی صدق می‌کند که در دوره کنونی در اجتماع ظاهر شده‌اند؛ اما آنچه ما به‌عنوان بدن‌های طبیعی در نظر داریم، در واقع، توسط گفتمان شکل گرفته‌اند. شکل‌های رفتاری که بر اساس سیستم نیوروبیولوژی انسان هستند؛ محلی که

1- Milovanovic

2- O'Sullivan

۳- Neurobiology. مطالعه سلول‌های سیستم عصبی و تربیت‌های این سلول‌ها در یک چرخه کارکردی است که فرایند اطلاعات است و رفتار را صورت می‌دهد.

4- Kirschner

5- Natural body

## مقدمه

در این مقاله به دنبال بررسی نقش مفهوم توپولوژی<sup>۱</sup> در فرهنگ و چگونگی شکل دادن به سوزه سیاسی هستیم. گفتمان شامل مجموعه‌ای از روابط است که در بستر آن سوزه شکل می‌گیرد. بنابراین، تغییراتی که در روابط تشکیل دهنده گفتمان رخ می‌دهد سبب می‌شوند تا نسبت به آن‌ها سوزه نیز تغییر پیدا کند. از این دیدگاه، سیاست را به‌مثابه مسئله‌ای تناقض‌آمیز در نظر داریم که در عین برنامه‌ریزی برای ثابت نگاه داشتن نظم گفتمان<sup>۲</sup> اما رخدادهای سیاسی به تغییر وضعیت گفتمان منجر می‌شوند. بنابراین، سوزه در برابر رخداد چگونگی با آن رابطه برقرار می‌کند که به شکل‌گیری سوزه سیاسی منجر می‌شود؟ آیا سوزه دچار گسست می‌شود و یا در وضعیت پیوستگی با فضای رخداد به سر می‌برد؟

برای پاسخ به این پرسش‌ها از مفهوم توپولوژی استفاده خواهیم کرد. توپولوژی مفهومی در علم ریاضیات است و به مسئله تبدیل اشکال هندسی می‌پردازد بدون آنکه در آن‌ها گسستی حاصل شود. اما در حوزه فرهنگ مفهوم توپولوژی به تغییراتی اشاره دارد که در آن فرهنگ به‌مثابه مجموعه‌ای از روابط بین انسان و غیر انسان‌ها در نظر گرفته می‌شود. فرهنگ مجموعه‌ای از روابط و فرایندهای تغییرات است. همچنین، رخدادها تکرارهایی بسرای تغییر و ورود مفاهیم نوین به فرهنگ هستند. سیاست در سطح حکومت دارای کارکرد کنترل جمعیت، حفظ نظم و ایجاد دسته بندی‌هایی است که بر اساس آن‌ها سیاست‌گذاری انجام می‌شود. اما گونه دیگری از سیاست وجود دارد که در زندگی روزمره و در پویایی روابط موجود در آن شکل می‌گیرد که از آن باید در مفهوم زندگی به مثابه سیاست یاد کرد. بنابراین، سیاست سازمانی و سیاست پویا دو شکل از مفهوم سیاست در زندگی اجتماعی هستند. از این دیدگاه، سیاست مجموعه‌ای از برخورد نیروها است که پویایی و جریان اجتماع را معنا می‌دهد. مسئله ما در این مقاله بررسی گسست در نظم گفتمان است. گسست در نظم گفتمان آستانه‌های تغییر را ایجاد می‌کنند و شکل‌گیری سوزه‌های جدید امکان‌پذیر می‌شود.

## سوزگی و بدن‌های طبیعی

سوزگی وضعیت موقتی فرد در فضایی است که بر اساس آن می‌تواند کنش و واکنش انجام دهد. سوزه در فضای گفتمان موقعیت پیدا می‌کند و فضای گفتمان جایی است که امر هرزمونیک در آن جاری است. امر هرزمونیک شامل زبان و دال‌های مشخصی است که بر اساس آن امکان

1- Topology

2- Politics

مجموعه‌ای از روابط شکل می‌گیرد که طی آن بر سایر سوزه‌ها تأثیر می‌گذارد و تأثیر می‌پذیرد. شکل گیری سوزه از طریق سازوکار تأثیر گذاری و تأثیر پذیری فرایندی است که تجربه موقعیت‌های سوزگی در آن رخ می‌دهد؛ بنابراین، سوزه مدام در حال شکل گرفتن است و یا به‌طور پیوسته در وضعیت شدن قرار دارد. سوزه در جریانی از شدن قرار می‌گیرد که نیروی محرکه آن تأثیر پذیری و تأثیر گذاری است. سوزه سیری از تحولات مختلف را تجربه می‌کند که بر اساس آن حافظه انسانی ساخته می‌شود. ساخته‌شدن حافظه فرایندی است که در آن سوزه موقعیت‌های متفاوتی را تجربه می‌کند و در نتیجه، هویت بر اساس فرایندی که در آن سوزگی پی‌در پی در حال شدن است شکل می‌گیرد. تعریف حیات در قالب فرایندی که سوزه در آن حالات مختلف را تجربه می‌کند ما را به مفهوم توپولوژی نزدیک می‌کند.

همانطور که در ابتدا آورده شد، توپولوژی در علم ریاضیات به تغییر اشکال هندسی می‌پردازد بدون آنکه در آن کسستگی ایجاد شود<sup>(۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۵، ۱۶)</sup>. به این منظور وقتی شکل گیری سوزه را در قالب توپولوژی در نظر بگیریم اشاره به جریان حالت‌هایی داریم که سوزه در آن‌ها شکل‌های مختلف بودن را تجربه و اسیس [تغییر پیدا می‌کند. منظور از این تغییر، در حقیقت، تغییر در ویژگی موقعیت‌ها است (لوری، پاریسی و تراوونا،<sup>۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۵</sup>). بدین ترتیب توپولوژی در قلمرو تجربه سوزه اتفاق می‌افتد (شاه،<sup>۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۵</sup>). و با این توجه می‌توانیم بیان کنیم که چگونه تجربه قادر است به حالت‌های مختلف تبدیل شود. همچنین، لیش تأکید می‌کند که توپولوژی در رابطه با سطوح مختلف تجربه است. توپولوژی سوزه را در برابر رخداد جدید قرار می‌دهد و سوزه با هر تجربه جدید از تجربه‌های قبلی فراتر می‌رود. بر اساس تفکر دالوز<sup>(۱۶)</sup> بیان‌شده در براون،<sup>۱۲، ۱۳، ۱۴</sup> تنها زمان حال حاضر است که جنبه روان‌شناختی دارد چون سوزه در برابر رخداد‌های جدید قرار

#### 1- Becoming

۲- «من هویت را در مفهوم ترک زدن به کار می‌برم. ترک زدن، از یک سو، بین گشمان‌ها و کش‌هایی است که تلاش می‌کند تا ما را بازخواست کند، یا ما صحبت کند و ما را در وضعیت به عنوان سوزه‌های اجتماعی-گشمانی مشخص مورد خطاب قرار می‌دهد و از سوی دیگر، با فرایند‌هایی است که سوزگی را تولید می‌کند و ما را به عنوان سوزه‌هایی که می‌توانند صحبت کنند می‌سازند. بدین ترتیب هویت‌ها به پیوندهای موقتی اشاره دارند که سوزه به موقعیت‌های گشمانی متصل می‌شود و این کش‌های مورد تأیید گشمان هستند که با انجام آن‌ها موقعیت‌های گشمانی را برای ما می‌سازند. [...] هویت‌ها نتیجه اتصال موقعیت‌های سوزگی به جریانی از گشمان هستند» (هال،<sup>۱۶، ۱۷، ۱۸</sup>) آنچه که مشهود است هویت حاصل پیوند موقتی سوزگی با یک موقعیت در گشمان است که می‌باید بر اساس آن کش‌های شروعی را انجام دهد از این دیدگاه، سوزه در فرایندی از پیوندهای مختلف با گشمان‌ها به سر می‌برد. این پیوندها همان جریان ساخته شدن سوزه هستند که با مفهوم توپولوژی پیوند می‌خورند. توپولوژی در علم ریاضی به فرایند تبدیل شدن یک دایره به مربع اشاره می‌کند. بدون آنکه در آن گسستگی حاصل شود تبدیل شدن سوزه به احولات مختلف به معنای گسست در نظر گرفته نمی‌شود بلکه آن‌ها در هم فرو رفتن و تغییر شکل احولات و تجربیات سوزه هستند؛ بنابراین، ساخته شدن سوزه تغییر شکل سوزه را حالتی به حالت دیگر است و احساسات در این میان نقش مهمی را بازی می‌کنند. ۳- به طور مثال، یک دایره و مربع از لحاظ توپولوژی در یک دسته قرار می‌گیرند چون هر دو دارای مرز هستند که بیرون و خارج از جدا می‌کند و بنابراین آن‌ها می‌توانند در هم کشیده و یا پیچیده شوند.

4- Lury, Parisi & Terranova

5- Sha

6- Delouze

7- Brown

پردازش اطلاعات در آن قسمت انجام می‌شود و همان‌طور که گفته شد توسط گشمان شکل می‌گیرند. شکل گیری روان انسان در گشمان بر بدن نیز تأثیر می‌گذارد. به بیانی، چرخه‌ای بین وضعیت بدن در گشمان و دستگاه روحی انسان وجود دارد. از این دیدگاه، بدن‌های طبیعی به موقعیتی اشاره دارند که مورد تأیید گشمان است. بدن‌های طبیعی به‌مثابه انسان‌های طبیعی در نظر گرفته می‌شوند.

بدن‌های طبیعی نیز در فرایندی از تکرار در طول زمان شکل می‌گیرند (باتلر،<sup>۱۹۹۸: ۵۲۰</sup>). زمان اجتماعی در این معنا زمان آموختن مهارت برقراری روابط اجتماعی است. مهارتی که فرد بر اساس آن تبدیل به سوزه گشمانی می‌شود و موقعیت پیدا می‌کند. پیدا کردن موقعیت در گشمان برای آن بدن‌هایی است که دارای رفتار طبیعی هستند و به‌عنوان انسان طبیعی خطاب (آلتوسر،<sup>۱۹۷۱: ۱۷۴</sup>) می‌شوند. انسان طبیعی برای ثابت ماندن در موقعیت گشمانی و در مقام سوزه گشمانی می‌باید «به‌طور مدام بی‌گناهی خود را با انجام اعمال مورد تأیید گشمان نشان دهد» (بوچر،<sup>۲۰۰۶: ۱۲۰</sup>). «احساس گناه» مربوط به سوزه‌هایی است که گناهکار فرض شده‌اند و می‌بایست بی‌گناهی خود را ثابت کنند.

به بیان باتلر (۱۹۹۷: ۱۱۸) تمکین به قوانین یعنی سوزگی می‌بایست همواره خود را وفادار و بی‌گناه ثابت کند. زوی دیگر تمکین به قانون نشان دادن بی‌گناهی در برابر بازخواست قانون است. به‌این ترتیب، سوزگی به‌طور پیش فرض تخطی‌کننده از قانون است و باید اثبات کند که از قانون تبعیت می‌کند؛ زیرا این مسئله با تثبیت موقعیت سوزگی او در گشمان ارتباط دارد که به‌صورت پی‌در پی باید بازتولید می‌شود و برای سوزگی بودن می‌بایست مدام خود را در فرایند اتهام خوردن به‌عنوان خطاکار تصور کند.

آنچه در بیان باتلر مشهود است فرایند تکرار شدن و تکرار کردن سوزگی در گشمان وظیفه‌ای است تا بی‌گناهی خویش را اثبات کند. تکرار رفتار برای ثابت کردن وفاداری به قانون به‌مرور بدن و روح فرد را در برمی‌گیرد و او به مقام سوزگی می‌رسد. در حقیقت، تکرار این فرایند باعث می‌شود تا سوزگی معنا‌های زندگی خود را بسازد. ساختن معنا در گشمان بر اساس اعلام وفاداری فرد به قانون و رعایت اصول گشمانی در رفتار است؛ بنابراین، جریانی از درونی کردن امور بیرونی برای سوزگی رخ می‌دهد.

## سوزگی و توپولوژی

شکل گیری سوزگی در گشمان حاصل تأثیر گذاری جهان بیرون به جهان درون است. سوزگی در

## شکل گیری دال ها و سوژگی

لکان شکل گیری سوژه را در دنیای نمادین تعریف می کند. سوژه در دستگاهی منظم از نمادها شکل می گیرد و تعریف ممکن از خود را ارائه می دهد (لکان، ۱۹۹۱: ۴۱-۲). شکل گیری سوژه برای لکان در فضایی از دال ها صورت می گیرد که به واسطه آن ها خود را بیان کند؛ بنابراین، سوژه ها بدون دال ها و دال ها بدون سوژه ها معنا ندارند. از این دیدگاه، دال همان سوژه است و سوژه همان دال است (پلوت، ۲۰۰۶: ۲۹۵-۷)؛ اما می بایست در نظر داشت که این فرایند در فضای نظم و قانون صورت می گیرد. در نتیجه سوژه باید وضعیت خود را در برابر قانون مشخص کند.

تعریف سوژه آن چیزی است که دال آن را بازمانی می کند. سوژه در زنجیره ای از دال ها قرار می گیرد (لکان، ۱۹۹۲: ۶۹) که هر دال به دال دیگری وابسته است. به توجه به اینکه سوژه ها خود را از طریق دال ها بیان می کنند، بنابراین حضور یک سوژه به حضور سوژه های دیگر نیازمند است. سوژه برای بازمانی خود در زنجیره ای از دال ها قرار می گیرد و از این طریق فرهنگ و معانی مشترک تولید می شود. فرهنگ فضای حضور و تغییر دال های مشترک است و زندگی روزمره فضای بر خورد دال ها و تغییر شکل آن ها به یکدیگر است. همواره فرهنگ دارای مرزهایی است که دال های همبند با اصول گفتگویی در درون آن و دال هایی که در هماهنگی با آن نیستند در بیرون آن قرار می گیرند. ورود دال های تازه وارد به فرهنگ که با شکل گیری سوژه های نوین همراه هستند و فضای فرهنگ را در وضعیتی موقت و در حال تغییر قرار می دهند. بنا به بیان تارد<sup>۲</sup> (۱۹۰۳: ۴) جامعه بر اساس نوآوری و تقلید ادامه حیات پیدا می کند. نوآوری ها که با شکل گیری و ورود دال های نوین همراه هستند به عنوان خرداذهای فرهنگی در نظر گرفته می شوند که فرهنگ را تغییر شکل می دهند.

با توجه به آنچه بیان شد، حیات سوژه با تغییر شکل های فرهنگ همراه است. «میل» موتور محرک این چرخه است. سوژه میل به تقلید از نوآوری دارد و حالتی دیگر از سوژگی را تجربه

۱- پروژه لکان پرداختن به مفهوم سوژه و چگونگی شکل گرفتن آن است. اینگونه بیان می شود که نظریه لکان «نظریه واژگویی سوژه است» (پلوت، ۲۰۰۶: ۲۹۲). لکان فردیت را در مرحله ای اجتماعی در نظر می گیرد که مرحله ای که کودک نیازهای بدنی خود را بوسیله مادر رفع می کند و در یک پیوستگی با مادر به سر می برد (پلوم و نست، ۲۰۰۳: ۱۸۵). این مرحله، در حقیقت، مرحله واقعیت نخستین است که کودک همواره این اتحاد می واسطه او با مادر به یاد خواهد آورد و این کمبود را جستجو خواهد کرد. لکان فردیت را به آگو و سوژه تقسیم می کند. آگو مربوط به مرحله ای است که کودک تصویری از خود و در رابطه با بدن خود بدست می آورد و آن مرحله آینه ای است. در این مرحله کودک به تصویری ایدئال از خود دست پیدا می کند که فراتر از آن چیزی است که باید باشد و این در حقیقت نوعی از شناخت همرا با انتظار است که او از خودش به وجود می آورد (پلوت، ۲۰۰۶: ۲۵۰). مرحله آینه ای که آگو ساخته می شود مرحله ای است که کودک وارد مرحله دنیای زبان و نمادین نشده است. مرحله آینه ای فرایندی است که کودک در رابطه با مادر است. بنابراین، مرحله آینه ای فرایندی زبانه شده است، اما در مرحله نمادین که زبان در آن نقش دارد کودک وارد نظم و امر فراتر به اسم قانون می شود (پلوم و نست، ۲۰۰۳: ۱۸۶). این نظم و امر فراتر به اسم پدر در روان شناسی لکان نام می گیرد. «مادر دنیای زبان و نمادین» می باید یک قانون، یک نظریه، یک ترتیب نمادین ... که از آن پدر هست وجود داشته باشد. این یک پدر طبیعی نیست، اما چیزی است که پدر نموده می شود. آن نمایانگر نظم است که باعث حفظ یک موقعیت می شود و بر اساس نام پدر فهمیده می شود (لکان، ۱۹۹۷: ۱۱). در نتیجه دنیای زبان دنیایی است که در آن سوژه ساخته می شود و جایی است که فرد یا آگوی خودش وارد دنیای نمادینی می شود که می باید خود را بازمانی نماید.

2- Pluth  
3- Tardé

می گیرد و باید تصمیم گیری کند. زمان گذشته با هستی و موقعیت گفتگویی سوژه مربوط است و تنها در زمان حال است که سوژه احتمال تغییر حالت موقعیت خود را دارد. به همین علت، دالوز مقاومت را در زمان حال ممکن می داند (برایچنتی، ۲۰۱۲: ۸۵). بنابراین، تنها در زمان حال است که سوژه امکان خلق وضعیتی نوین در گفتگومان را دارد. همچنین، مسئله ای که در تئوپوزی وجود دارد چگونگی تغییر یک وضعیت به وضعیت دیگر است و نه گسست از یک وضعیت به وضعیت دیگر. از این دیدگاه، بین درون و بیرون سوژه هیچ گاه گسست نیست بلکه آنچه در جهان بیرون از سوژه وجود دارد به درون او برگشت پیدا می کنند. تحت تأثیر قرار گرفتن درون انسان از روابط بیرون یا انعکاس بیرون در درون انسان با مفهوم تئوپوزی قابل بررسی است. دالوز «درون را حاصل عمل بیرون می داند» (دالوز: ۲۰۰۶: ۹۷). دو شیوه برای برقراری رابطه بین سوژه با بیرون خودش وجود دارد: ۱- باز شدن کامل درون به سمت بیرون که همان معنای مرگ است و ۲- فرایندی بی دریبی از برگشت پذیری بیرون به درون یا بر هم افتادگی مکرر بیرون به درون که همان جریان حیات است. دالوز نام مناسب این برگشت پذیری مکرر درون به بیرون را حافظه می نامد: «حافظه نام واقعی رابطه با خود یا تأثیر گذاری بر خود به وسیله خود است» (همان: ۱۰۷) در نتیجه، حافظه همواره در فرایندی از رابطه بین درون و بیرون است. از این لحاظ تئوپوزی روش فکر کردن در رابطه با این فرایند است.

می توان گفت شرایط شکل گیری سوژه در تغییر از حالتی به حالت دیگر است. به این مفهوم که آنچه بیرون است در درون بازتاب می یابد؛ اما فضای بیرون شرایط همزومیک است. شرایط همزومیک به شرایط گفتگویی اشاره دارد. در شرایط گفتگویی هدف ساختن سوژه یکدست است، سوژه ای اخلاقی که قرار است بدن خود را تحت نظم گفتگومان به شکل هنجاری تربیت کند و دارای احساساتی باشد که اخلاق گفتگومان را بازمانی نماید. در نتیجه فرایند پیوند روابط بیرون و درون سوژه به شکل گیری او منجر می شود؛ اما باید در نظر داشت که شرایط بیرون، شرایط گفتگویی است. شرایطی نمادین که در آن کدهای اخلاقی شکل می گیرند.

## 1- Brightenti

۲- «بر خلاف تصور عامه مقاومت در برابر تغییر نیست بلکه یکی از جنبه های آن است. مقاومت در جهت فرایند شدن است. زمان حال که بر برابر آن مقاومت می شود، در حقیقت قدرت در زمان حال وجود دارد. قدرت همواره در فشرده ای زمان حال وجود دارد و همزمان در فضا و بقا قرار گرفته است. اما در واقع مقاومت بر خلاف یک تجربه نقلی گزارشی است. مقاومت به دنبال آن می گردد تا راهی را برای خلق امر نوین از تجربه-انقلاب از تجربی ناخوش- پیدا کند. در واقع مقاومت وضعیتی است تا خود را از بهای اشتباهی دادن به مرگ دور سازد» (برایچنتی، ۲۰۱۱: ۸۵).

۳- این فکر از لایپنیتس (Nachtomy، ۲۰۰۷: ۲۲۲) نشئت می گیرد که برای او جهان و سلسله ای از درجات قرار دارد که گسستی بین آن ها نیست. برای مثال برای او یک صندلی دارای حرکت است اما در کمترین میزان خودش و این متفاوت است از سفر بودن سرعت و این یعنی ایجاد شدن گسست.



## لذت از تخطی و توبولوژی

تخلف از امر ایده‌آل از لحاظ روانی با لذت همراه است. مفهوم لذت با مفهوم سرخوشی<sup>۱</sup> فرق دارد از این‌رو اگر بخواهیم از تخطی با مفهوم سرخوشی یاد کنیم باید از سرخوشی صحبت کنیم که ناخودآگاهانه است (گیلسون<sup>۲</sup>، ۲۰۰۸: ۶۷۹). ما قصد طرح مفهومی را داریم که بتواند از تخطی به تغییرات فرهنگی برسد. با تخطی از قوانین، رخداد جدیدی روی می‌دهد که به بیان بدیو<sup>۳</sup> (۲۰۰۹: ۳۰۹) (به همراه آن دنیای تازه‌ای گشوده می‌شود؛ یعنی فرارفتن از گفتمان مسلط. لذت در معنای تخطی در برابر خوشی است، چون با رنج و اضطراب تخطی از قانون اخلاقی همراه است. بر اساس عقیده لکان قانون اخلاقی خود محرک ایجاد لذت برای فرارفتن از آن است (لکان، ۱۹۹۷: ۱۸۵-۹).

فرایند لذت که همراه با تخطی از امر ایده‌آل است با مسئله پیچیده‌تری پیوند می‌خورد و آن هم اثره گمشده‌ای است که سوزه به دنبال آن می‌گردد. سوزه در دل قوانین گشمان و تکرار آن‌ها به دنبال اثره گمشده‌ای است که تصور می‌کند وضعیت کنونی اجازه دستیابی به آن را به او نمی‌دهد. میل برای به دست آوردن اثره گمشده با تخطی همراه است؛ چون غش کردن امری برای انسان میل به تخطی از آن و تجربه آن را به وجود می‌آورد (بوهاف<sup>۴</sup>، ۲۰۰۶: ۴۲). از این دیدگاه، سوزه حالت‌های مختلف خود را در خلال تجربه لذت از تخطی به دست می‌آورد هرچند گفتمان مانع از تخطی است (گیلسون، ۲۰۰۸: ۶۸۱-۲). در نتیجه، شکل‌گیری خرده فرهنگ‌ها به واسطه تخطی از قوانین است؛ به بیانی دیگر، چیزی که تخطی را ممکن می‌کند می‌تواند جماعتی را حول خود ایجاد کند.

تخطی یعنی سرریازدن از امر ایده‌آل و چیزی امر ایده‌آل است زیرا از آن تخطی می‌شود؛ بنابراین آن‌ها نیازمند وجود یکدیگر هستند (همان: ۶۹۵). امر ایده‌آل به‌مثابه ایدئولوژی در قوانین گفتمان تعریف می‌شود و هیچ‌گاه هم نمی‌تواند به تحقق برسد چون اگر به تحقق برسد دیگر به‌صورت امر ایده‌آل باقی نخواهند ماند. در همین رابطه وقتی سوزه نتواند به‌واسطه دال‌های مورد تأیید گفتمان هویتی کامل از خود ارائه دهد، سعی می‌کند تا با تخطی کردن از آن‌ها این خلار را پر کند و از آن لذت ببرد. در نتیجه سوزه دال‌های نوین، سوزه لذت است (لکان، ۲۰۰۶: ۲۶). رسیدن به امر ایده‌آل با رضای درون، دستیابی به کامیابی و خرسندی همراه است. اما، امر ایده‌آل هرگز به دست نمی‌آید و ایدئولوژی تنها روایتی فانتزی از آن ارائه می‌دهد. روایت فانتزی نقطه اتصال است

1- Pleasure  
2- Glynos  
3- Badiou  
4- Verhaeghe

می‌کند. در این وضعیت فضای توبولوژی شکل می‌گیرد و جریانی از چرخش دال‌های نوین ایجاد می‌شود. در نتیجه، شکل‌گیری سوزه نزد دیگر سوزه‌ها و از طریق تقلید دال‌های نوین صورت می‌گیرد؛ یعنی سوزه خود را در دیگری پیدا می‌کند و دیگری را در خود. در نتیجه، پایه‌های روابط اجتماعی ریخته می‌شوند.

سوزه در تماس با سوزه‌های دیگر و در خلال روابط با محیط اطرافشان هویت پیدا می‌کند. به همین علت، شکل‌گیری و ورود دال‌های نوین فضای تأثیرپذیری و تأثیرگذاری را در بین سوزه‌ها ایجاد می‌کنند و به مرور سوزه‌های جدید ظاهر می‌شوند. مسئله مهم در اینجا تناقض پیدا کردن دال‌های نوین با قوانین گفتمانی است که در تطابق کامل با آن‌ها قرار نمی‌گیرند. بنابراین، مفهوم آلتوسر از مورد خطاب قرار دادن سوزه معنا پیدا می‌کند؛ یعنی جایی که ایدئولوژی سوزه نوین را به‌مثابه متخلف در نظر گرفته و آن را استیضاح می‌کند.

از این دیدگاه، گفتمان در نقش امری مقدس و الزام‌آور است (کوتن و دورن، ۲۰۰۷: ۵۶۶) و در برابر آن پویایی ذاتی و حیثیات فرهنگ قرار می‌گیرد. حیات فرهنگ یعنی فرهنگ در بطن خود دارای پویایی ذاتی است و خاصیت آن برخلاف امر مقدس فرایندی است درونی و ارگانیک؛ بنابراین، سوزه‌ها دارای تحرکاتی هستند که پویایی اجتماعی را به وجود می‌آوردند. تارد (۱۹۰۳: ۳) بیان می‌کند شناخت ذرات اجتماعی سخت‌تر از کلیت آن است. از دیدگاه او سوزه‌ها دارای قدرت نوآوری هستند و نوآوری‌ها به‌مرور مورد تقلید قرار می‌گیرند و پدیده‌های اجتماعی را شکل می‌دهند؛ بنابراین، سوزه‌ها معانی نوینی را وارد روابط اجتماعی می‌کنند و به‌واسطه گسترش آن‌ها خرده‌فرهنگ‌ها نیز شکل می‌گیرند. در نتیجه، خرده‌فرهنگ‌ها حاصل پویایی و حیثیات اجتماعی هستند.

سوزه‌ها در جریان اتصال به هم و تقلید است که خرده فرهنگ را شکل می‌دهند. اشتراک گذاشتن دال‌های نوین برای خود بیانگری با شکل گرفتن پدیده‌های نوین اجتماعی همراه است. این فرایند به‌عنوان رفتاری در نظر گرفته می‌شود که سوزه را به دیگری پیوند می‌زند. خرده‌فرهنگ‌ها سبک‌های زندگی را شکل می‌دهند و در برابر اخلاق ایده‌آل گفتمان که برگرفته از بایدها و ناپایدهای رفتاری است قرار می‌گیرند. بر اساس مافزولی (مافزولی<sup>۲</sup>، ۲۰۱۰: ۳۰۵). شکل گرفتن سبک‌های نوین زندگی معادل با حلول شیوه‌های نوین ممکن سوزگی است؛ امکان شیوه‌های نوین سوزگی از پویایی ذاتی فرهنگ به وجود می‌آید؛ بنابراین، تخطی از امر ایده‌آل گفتمان وضعیت سوزگی را در مقابل امکان وضعیت‌های نوین زیستن قرار می‌دهد.

1- Coeten and Doran  
2- Maffitzoli

لوفور ما را دعوت می‌کند تا به‌جای بررسی «چیزها در فضا به تولید عملی فضا» (لوفور، ۱۹۹۱: ۳۷) فکر کنیم. خلق دال‌ها و ایجاد سوزه‌های نوین شکل‌گیری فضای نوین سیاسی را معنا می‌دهد. فضا مجموعه‌ای از روابط است. وقتی این روابط مورد تغییر و بازتعریف قرار می‌گیرند ناخودآگاه فضا تغییر می‌کند و بیرون آمدن نظم نوین باعث پدید آمدن گفتمان جدیدی می‌شود. از این دیدگاه، فضا جایگاه درگیری هژمونیک است؛ یعنی جایی که ایده‌ها و نهادها شکل پیدا می‌کنند و به چالش کشیده می‌شوند (گیلسون، ۲۰۱۱: ۱۹۴).

فوکو (۱۹۸۴: ۳) بیان می‌کند که «عصر حاضر، شاید بالاتر از هر چیز دوره فضا است. ما در دوره یک هم‌زمانی هستیم؛ ما در عصر مجاورت هستیم، عصر دور و نزدیک، عصر از یک کنار به کناری دیگر و عصر پراکنده شدن»؛ همچنین، «ما در فضایی تهی زندگی نمی‌کنیم که به‌جای آن بتوانیم چیزها و افراد را قرار دهیم. ما در فضای تهی زندگی نمی‌کنیم که بتوانیم با درجه‌های متفاوتی از رنگ‌ها آن را رنگ‌آمیزی کنیم، ما در درون مجموعه‌ای از روابط به سر می‌بریم»؛ با توجه به دیدگاه فوکو در مورد فضا، آنچه در حیات اجتماعی وجود دارد ایجاد کردن معانی نوینی است که خرده‌فرهنگ‌ها را تولید می‌کنند. در نتیجه، فضا مجموعه‌ای روابطی است که در مجاورت یکدیگر شکل می‌گیرند و سوزه را می‌سازند؛ بنابراین، سوزه در خلال روابطی که در فضا وجود دارد ساخته می‌شود.

درک انسان از خودش می‌تواند به حضور دیگری مربوط شود. دریافت هویت از خلال برقراری روابط چیزی است که با خود، فضا را هم ایجاد می‌کند. در بیان باختین «بودن یعنی ارتباط داشتن» (بیان‌شده در هالووی و نیل، ۲۰۰۳: ۷۵) و بی‌پاسخی به محیط پیرامون و روابط نهفته در آن مصادف با پایان دادن به بودن است. در نتیجه، روابط بین سوزه‌ها دارای دو جنبه است: ۱- «بودن برای خودش (تصویر سوزه از خودش) و ۲- بودن برای دیگری (تصویر آن در نزد دیگران)» (کرونیک، ۲۰۰۲: ۵۳۲). بودن برای خود و بودن برای دیگری با رسیدن به آگاهی همراه است. «آگاهی تنها می‌تواند از خلال شکل گرفتن مادی نشانه‌ها ایجاد شود و قابل دوام باشد» (هالووی و نیل، ۲۰۰۳: ۷۵). نشانه‌ها یا دال‌ها همان‌طور که در قبل اشاره شد، ابزارهایی در دست سوزه برای خود بیانگری هستند، آنها روابط را در فضا ممکن می‌سازند و آگاهی را شکل می‌دهند. در این معنا «فضا به‌جای اینکه یک اسم باشد یک فعل است. فضا در مقام فعل یک کنش است، یک رخداد و روشی برای بودن است» (همان: ۱۱۶). رخدادها توسط ساخته‌شدن و دوباره ساخته‌شدن روابط در فضا صورت می‌گیرند. اگر بخواهیم در همین رابطه درکی لکانی از فضا داشته باشیم: «فضا به حضور

که سوزه را به واقعیت سیاسی-اجتماعی پیوند می‌زند؛ چون وقتی ایدئولوژی از تحقق مدینه فاضله ناتوان است هر آنچه در مورد آن بیان کند در حد فانتزی باقی خواهد ماند. میل و لذت راه برون رفت از روایت فانتزی ایدئولوژی هستند و آن‌هم زمانی است که سوزه دست به خطا می‌زند. در نتیجه سوزه ایده‌آلی که گفتمان مدعی آن است پیدا نمی‌شود و همچنین مدینه فاضله در گفتمان قابل تحقق نیست (گیلسون و استراوکاسیس، ۲۰۰۸: ۲۶۳). بنابراین، سوزه سیاسی در مورد اصول عقلانی گفتمان شک می‌کند و به ایجاد جایگزین‌های مختلف فکر می‌کند.

از این دیدگاه، ما با انواع مختلف پیوند سوزه با گفتمان روبرو هستیم و روایت فانتزی از مدینه فاضله واسطه‌ای است که سوزه را به اصول و ایده‌آل‌های گفتمان پیوند می‌زند. تخطی از اصول و ایده‌آل‌ها منبع ایجاد لذت هستند. روایت فانتزی سوزه را به موقعیت خود در گفتمان پیوند می‌زند و او را به مثابه یک سوزه سخن‌گو به رسمیت می‌شناسد (لکان، ۲۰۰۶: ۶۲۸). تخطی سوزه از اصول گفتمانی رخدادهای فرهنگی، سیاسی و اجتماعی را به وجود می‌آورد که آن را به عنوان صحنه رخداد در نظر می‌گیریم. رخداد باعث می‌شود تا قانون برای مدتی متوقف شود (آگامبن، ۱۹۹۸: ۱۹) و بتواند خود را برای شرایط جدید به روز کند. قانون تلاش می‌کند تا وضعیت نوین رخ داده شده را مهندسی و دسته‌بندی کند. در این فرایند، شرایط فرهنگ از حالتی به حالتی دیگر تبدیل می‌شود و دال‌های نوینی ظاهر می‌شوند که مفهوم توپولوژی و تغییر سیاسی فرهنگی را صورت می‌دهند.

همان‌طور که بیان شد، سوزه در فضایی از روابط، هویت و موقعیت خود را پیدا می‌کند. روابط در زندگی روزمره دارای حیات هستند، حیات در دو مفهوم نوآوری و تقلید خود را نشان می‌دهد و ریتم زندگی ادامه و تغییر پیدا می‌کند. نوآوری در خلال تقلید تبدیل به سبک زندگی یک نسل می‌شود و در نهایت دال‌های نوینی را ایجاد می‌کند که موجب تغییر در گفتمان می‌شوند. این تقابل همان لذت تخطی از امر ایده‌آل در گفتمان است. در قسمت بعد قصد داریم درباره مفهوم فضا صحبت کنیم که در آن سوزه چنین فرایندی را تجربه می‌کند.

## فضای توپولوژی و سوزه سیاسی

سوزه در گفتمان شکل می‌گیرد و با رعایت قوانین موقعیت سوزه سخن‌گو را پیدا می‌کند؛ اما وقتی صحبت از موقعیت سوزگی در گفتمان می‌کنیم باید از فضایی که در آن تغییرات فرهنگی ایجاد می‌شوند نیز صحبت کنیم. فرهنگ به‌عنوان ماهیتی متغیر (لکان، ۲۰۱۲: ۶۲۵).

ایدئولوژی، قدرت و دانش بر آن حکم‌فرما هستند (بوسر، ۲۰۱۲: ۲۸۵) که فضای نظم و ترتیب را به وجود می‌آورد. فضا منبع برنامه‌ریزی برای تنظیم ارتباطات است و به همین جهت فعالیت را در آن امکان‌پذیر می‌کند، اما در فضای فرهنگ به طور مستقیم زندگی هم در آن صورت می‌گیرد. فضای حیات فرهنگ توسط تجربیات، خاطرات و احساسات انسانی شکل می‌گیرد. فضای فرهنگ شکلی نمادین و بویایی را دارد که اصول اجتماعی، تجربه‌ها و ارزش‌ها را بیان و تداعی می‌کند که به جنبه مخفی و زیرزمینی زندگی اجتماعی هم مربوط می‌شود (سیمسن، ۲۰۰۵: ۷؛ اشمید، ۲۰۰۸: ۳۷؛ لوفور، ۱۹۹۱: ۴۲). فضای فرهنگ به دریافت‌های سوزنه از جهان پیرامون اشاره دارد که در خلال واقعیت روزمره تجربه می‌شوند. فضای دریافتی قابل مشاهده شدن، شنیده شدن، لمس شدن، مزه شدن و حس شدن است. در این بیان، کنش‌های زندگی‌روزمره شکل مادی پیدا می‌کنند که حاوی «مسئیرها و شبکه‌ها»یی (لوفور، ۱۹۹۱: ۳۸) هستند که زندگی روزمره را می‌سازند و همچنین شامل فرایندی هستند که شکل واقعیت اجتماعی را نیز تولید می‌کنند (بوسر، ۲۰۱۲: ۲۴۸).

از این دیدگاه شکل‌گیری سوزنه‌ها در تداخلی فضایی بین فضای مهندسی‌شده گفتمان و فضای پویا و سیال اجتماعی رخ می‌دهد. در بین این دو فضا است که حقیقت مسلم دچار ازم‌گسیختگی می‌شود و امر سیاسی به میان می‌آید. ازم‌گسیختگی همان فضای رخداد سیاسی فرهنگی است. در رخدادها شناخت جهان اجتماعی و آنچه تا به اکنون مسلم بوده است مورد شک و تردید قرار می‌گیرد (هوفری، ۲۰۰۸: ۳۶۰). از این دیدگاه، سوزنه در فضای رخداد کسی است که نسبت به موقعیت قبلی خود دچار گسست شده است و مفهوم کیستی خود را مورد پرسش قرار می‌دهد؛ بنابراین، آنچه سوزنه‌های سیاسی را شکل می‌دهد فرایندی است که سوزنه‌ها همراه با رخدادها لحظه گسست و پیوند با شرایط جدید را می‌سازند (همان: ۳۷۵).

رخدادها آستانه تغییر در گفتمان هستند که سوزنه آن را تجربه می‌کند. رخدادها لحظه گسست در نظم گفتمان هستند، اما گسست را باید در مفهوم توپولوژی در نظر گرفت. گسست در مفهوم توپولوژی معادل آستانه تغییر است که نظم دچار آشوب می‌شود، دال‌ها تهی می‌شوند و دوباره با مفاهیم نوین پر می‌شوند. بنابراین، گسست وضعیتی ابدی نیست و از آنجایی که به وضعیت جدید تبدیل می‌شود پدیده تغییر شکل فرهنگ صورت می‌گیرد و سوزنه‌های نوین ظاهر می‌شوند. از این دیدگاه، سیاست مورد بازتعریف جدید قرار می‌گیرد و سوزنه‌ای که در رابطه با آن قرار می‌گیرد

- 1- Buser
- 2- Simonsen
- 3- Schmid
- 4- Humphrey

دال‌ها محدود می‌شود و ... در خودش حاوی معنا نیست. فضا تصویری است که در خلال روابط بین افراد ایجاد می‌شود ... و چیزی بیشتر از انعکاس تجربه درونی نیست» (بوم و نست، ۲۰۰۳: ۱۰۱). از این دیدگاه، فضا دارای ماهیت ذاتی نیست بلکه انعکاس تجربه درونی سوزنه‌ها از خود و یکدیگر است.

فضای امری سیاسی است چون «سیاست در آن رخ می‌دهد» (هوارث، ۲۰۰۶: ۱۰۹). از این رو فضا سوزنه‌ها را در روابطی قرار می‌دهد که مفهومی از واقعیت را باهم شریک می‌شوند. همچنین رخداد که تغییرات موقت را صورت می‌دهد در برابر تداوم و تثبیت فضا قرار می‌گیرد. از این دیدگاه، امر موقت آنجایی است که فضای هرژمونیک گفتمان را به هم می‌ریزد و دال‌های ناهم‌خوانی را ایجاد می‌کند که به دنبال آن سوزنه‌های ناهم‌خوان هم‌شکل می‌گیرند و این معادل با رخداد است (همان: ۱۱۱). در نتیجه، عادی‌سازی رخداد فرایندی سیاسی در فضا است. عادی‌سازی رخداد از دو منشاء صورت می‌گیرد: ۱- گفتمان و ۲- خرده‌فرهنگ‌ها. هر دو آن‌ها به دنبال این هستند که مجموعه‌ای از دال‌ها را به‌عنوان سبکی از زندگی در فضا تبدیل به امری معمول کنند (همان). خرده‌فرهنگ‌ها و گفتمان وقتی می‌خواهند رخداد را تبدیل به امر معمول و قابل تقلید کنند هر دو یک مسیر را پیش می‌گیرند، اما با اهداف مختلف. معمولی ساختن رخداد با ساخته‌شدن فضا همراه است. گفتمان وقتی می‌خواهد رخداد را به امر معمولی تبدیل کند آن را به اصول ثابتی تقلیل می‌دهد که با اصول و قوانین گفتمان تطبیق دارند (کلاکسو، ۱۹۹۰: ۴۱). لکلاکو بیان می‌کند که رخداد به ساختارهای اساسی تقلیل می‌یابد که قابل تقلید باشد؛ اما بویایی اجتماعی از رخداد استفاده می‌کند تا دال‌های بویایی را ایجاد کند و در نتیجه هویت‌های بویایی را سازمان‌دهی می‌کند که بر اصول و قوانین گفتمان قرار نمی‌گیرند. رخداد عرصه‌ای اجتماعی، فرهنگی و سیاسی است که بر سر آن بین گفتمان و نیروهای موجود در گفتمان مبارزه صورت می‌گیرد. گفتمان در پی آن است تا رخداد را به عناصری تقلیل دهد که مورد دسته‌بندی، تأیید و کنترل هستند؛ از طرفی، نیروهای موجود در رخداد به دنبال استخراج دال‌هایی هستند که توسط آن‌ها سوزنه جدید پدید می‌آید. بر اساس باتلر (۱۹۹۸: ۵۱۹) سوزنه بر پایه تکرار است که ساخته می‌شود و آگاهی پیدا می‌کند و این تکرار در فرایند تقلید شکل می‌گیرد. در نتیجه فضاسازی یعنی تقلیل رخداد به عناصری قابل تقلید به‌گونه‌ای که رخداد از رخداد بودگی خود به چیزی قابل تقلید، پیش یا افتاده، تکراری و روزمره تبدیل می‌شود.

فضا توسط متخصصانی چون مهندسان اجتماعی، مهندسان شهرسازی برنامه‌ریزی می‌شود و

بنابراین، تئوپولوژی، یا پیوند بین درون و بیرون، فرایند شکل‌گیری سوره است؛ اما تئوپولوژی نه در فضایی جدا افتاده بلکه در حضور دیگری رخ می‌دهد. تئوپولوژی بودن در حضور دیگری و مسئله میان ذهنیتی است. شناخت سوره از خود در حضور دیگری اتفاق می‌افتد و شکل‌گیری خودآگاهی جمعی در این فضا صورت می‌گیرد. به این ترتیب، میل به تقلید، میل بیوسنن به دیگری است و تکرار قواعد رفتاری است که به واسطه آن سوره حالت دیگری از بودن را تجربه می‌کند. حالتی که باتجربه هیجان همراه است و این هیجان شامل تخطی از اصول گفتمان است که ایجادکننده محدودیت بوده‌اند. تخطی از اصول گفتمان به ظهور دال‌های نوین و به سوره‌های نوین منجر می‌شود. بنابراین، رخدادهای فرهنگی باعث به هم ریختگی نظامی می‌شوند که برای تداوم آن سیاست‌گذاری انجام شده است و به هم ریختن آن با به هم ریختگی سیاست همراه است. سیاست وقتی دچار به هم ریختگی می‌شود امکان ظهور نیروهای جدید فراهم می‌شود و شکل‌گیری دوباره سیاست تحت تأثیر نیروهای جدید در حیات فرهنگ اتفاق می‌افتد. بنابراین، شکل‌گیری سوره‌های جدید در حیات فرهنگ به تغییر سیاست منجر می‌شود و سوره با امر سیاسی پیوند می‌خورد.

حاصل مجموعه‌ای از روابط است که درون و بیرون سوره را به یکدیگر پیوند می‌زند. بنابراین، موقعیتی که سوره سیاسی در آن شکل می‌گیرد فضایی بین گسست سیاست و دوباره شکل‌گیری آن است. این فضای میانه فضایی است که قوانین هنوز شکل نگرفته‌اند و رخدادها در آن اتفاق می‌افتند. در فضای رخداد چیزی ظهور می‌کند که نظم گفتمان را به چالش می‌گیرد. وقتی سوره‌ها در فضای رخداد حاضر می‌شوند و توسط یکدیگر دیده می‌شوند جریان‌های شکل پیدا می‌کند که در آن سوره‌های جدید خودنمایی می‌کنند. در نتیجه، گروه‌های جدید اجتماعی ظاهر می‌شوند که امر سیاسی را ایجاد می‌کنند. کنش‌های سیاسی با «حضور» سوره‌های جدید همراه هستند و در خلال این کنش‌ها شکل‌های نوین سیاسی زائیده می‌شوند (سلسن، ۲۰۱۱: ۵۷۵-۶). بنابراین فضای سیاسی بر اساس مفاهیم سیاسی شکل می‌گیرد که در بین ذهن سوره‌ها معنا پیدا کرده است. فضای سیاسی در حقیقت فضای بین ذهنی است و با سیاست‌های ظهور هویت‌های جدید همراه است. فضای سیاسی با فهم و درک‌های اجتماعی همراه است که در آن شناخت صورت می‌گیرد.

### جمع‌بندی

بر اساس پرسش اصلی تحقیق که می‌خواهد بداند چگونه رخداد فرهنگی و به وجود آمدن آستانه تغییر در فرهنگ به شکل‌گیری سوره سیاسی منجر می‌شود، تلاش کردیم تا بر اساس مفهوم تئوپولوژی به آن پاسخ نظری بدهیم. تئوپولوژی به تغییرات فرهنگ اشاره دارد که در آن دال‌ها از معناهای قراردادی خود خالی و دوباره پر می‌شوند. فرهنگ در آستانه تغییر و وضعیت جدید قرار می‌گیرد که دال‌های جدید در آن به وجود می‌آیند و به واسطه دال‌های جدید سوره‌های نوین نیز پا به عرصه فرهنگ می‌گذارند. مجموعه این تغییرات در مفهوم تئوپولوژی باعث می‌شوند تا سوره در معرض تغییر قرار بگیرد و سیاست به‌مثابه نگاه دارنده وضعیت نظم گفتمان دوباره خود را برای شرایط جدید به روز کند.

از این دیدگاه، سوره وقتی وضعیت جدید را تجربه می‌کند در پیوند با شرایط جدید قرار می‌گیرد. پیوند عوامل درونی چون هیجان، خودآگاهی و میل با عوامل بیرونی امکان رخداد صورت‌های جدید سوره‌گی را صورت می‌دهند. عوامل بیرونی منظور دال‌هایی هستند که سوره به‌واسطه آن‌ها خود بیانگری می‌کند؛ بنابراین، می‌توان دال‌ها را به دو دسته در نظر گرفت: ۱- دال‌های از پیش تعیین‌شده و مشروعیت یافته در گفتمان که اصول اخلاقی را شکل می‌دهند. رعایت این دال‌ها باعث می‌شوند تا سوره در گفتمان موقعیت سوره‌گی به‌مثابه سوره سخن‌گو را پیدا کند. ۲- دال‌های نوظهور یا دال‌هایی که توسط پویایی اجتماعی شکل می‌گیرند و به‌واسطه آن‌ها سوره‌های نوین نیز وارد گفتمان می‌شوند. در نتیجه، دال‌ها پیوند دهنده عوامل درونی و بیرونی هستند. این پیوند امکان تجربه حالت‌های مختلف سوره‌گی را ممکن می‌سازند که ما در مفهوم تئوپولوژی به آن اشاره کردیم.



- Cronick, Karen, (2002), (Community, Subjectivity, and Intersubjectivity), *American Journal of Community Psychology*, Vol. 30, No. 4: 529-564.
- Deleuze, Gilles (2006), (Foucault), (Sean Hand Trans.), London: the University of Minnesota Press.
- Drury, John & Reicher, Steve (2009), (Collective Psychological Empowerment as a Model of Social Change: Researching Crowds and Power), *Journal of Social Issues*, Vol. 65, No. 4: 707—725
- Glynos, Jason (2008), (Self-Transgressive Enjoyment as a Freedom Fetter), *Journal of Political Studies*, Vol. 56: 679—704.
- Gilson, Julie (2011), (Transnational Advocacy: New Spaces, New Voices), *Journal of Alternatives: Global, Local, Political*, Vol.36, No.4: 288-306.
- Geniušas, Saulius (2008), (Self-Consciousness and Otherness: Hegel and Husserl), *Journal of Filosofija*, Vol. 16, No.3: 27—36.
- Glynos, Jason & Stavrakakis, Yannis (2008), (Lacan and political subjectivity: Fantasy and enjoyment in Psychoanalysis and political theory), *Journal of Subjectivity*, Vol. 24: 256—274.
- Gledhill, Christine (2003), (Genre and gender: The case of Soap Opera), *In Stuart Hall (Ed.), Representation* (pp.337-387), London: Sage Publications.
- Hall, Stuart (2000), (Who needs 'identity'?), *In du Gay, P., Evans, J. and Redman, P (eds.), Identity: a reader* (pp.15-30) London: Sage Publications.
- Holloway, Julian & Kneale, James (2003), (Mikhail Bakhtin: dialogics of space), *In Mike Crang and Nigel Thrift (Eds.) Thinking Space*, London and New York: Routledge press.

## منابع

- Agamben, Giorgio (1998), (Homo Sacer), California: Stanford University Press.
- Althusser, Louis (1970), Ideology and Ideological State Apparatuses, In: Lenin and Philosophy and other Essays (1971), (Ben Brewster Trans), New York and London: Monthly Review Press.
- Badiou, Alain, (2009), Logics of worlds being and event, (Alberto Toscano Trans.), New York: Continuum International Publishing Group.
- Blum, Virginia & Nast, Heidi (2003), (Jacques Lacan's two-dimensional subjectivity), *In Mike Crang and Nigel Thrift (Eds.) Thinking Space*, London and New York: Routledge press.
- Boucher, Geoff (2006) (The Politics of Performativity: A Critique of Judith Butler), *Journal of Parrhesia*, No.1: 112-141.
- Brown, Steven D. (2012), (Memory and Mathesis: For a Topological Approach to Psychology), *Journal of Theory, Culture & Society*, Vol.29, No. 4/5: 137—164.
- Buser, Michael (2012), The production of space in metropolitan regions: A Lefebvrian analysis of governance and spatial change, *Journal of Planning Theory*, Vol. 11, No.3: 279— 298.
- Butler, Judith (1988), (Performative Acts and Gender Constitution: An Essay in Phenomenology and Feminist Theory), *Theatre Journal*, Vol. 40, No. 4: 519-531.
- Butler, Judith (1997), *The Psychic Life of Power*, California: Stanford University Press.
- Corten, Andre' & Doran, Marie-Christine, (2007), (Immanence and Transcendence in the Religious and the Political), *Journal of social Compass*, Vol. 54: No.4: 565—571.

- Nachtmay, Ohad (2007), (Possibility, agency, and individuality in Leibnitz's metaphysics). The Netherlands: Springer Press.
- Nancy, Jean-Luc & Lacoue-Labarthe, Philippe (1992), (The Title of The Letter A Reading of Lacan), (François Raffoul and David Pettigrew Trans.), New York: State University of New York Press.
- O'Sullivan, Simon (2010), (Lacan's ethics and Foucault's "Care of the self": Two diagrams of the production of subjectivity (And of the subject's relation to truth)), *Journal of Parrhesia*, No. 10: 51-73.
- Pluth, Ed (2006), (Lacan's subversion of the subject), *Continental Philosophy Review*, No.39: 293-312.
- Savage, Mike (2003), (Walter Benjamin's urban thought: a critical analysis), In Mike Crang and Nigel Thrift (Eds.) Thinking Space, London and New York: Routledge press.
- Sassen, Saskia (2011), (The Global Street: Making the Political), *Journal of Globalizations*, Vol.8, No.5: 573-579.
- Schmid, Christian (2008), (Henri Lefebvre's theory of the production of space: towards a three-dimensional dialectic), New York: Routledge press.
- Sha, Xin Wei (2012), (Topology and Morphogenesis), *Journal of Theory Culture Society*, Vol. 29, No. 4/5: 220-246.
- Simonsen, Kirsten (2005), (Bodies, Sensations, Space and Time: The Contribution from Henri Lefebvre), *Journal of Human Geography*, Vol. 87, No. 1: 1-14.
- Tarde, Gabriel (1903), (The laws of imitation), (Elsie Clews Parsons Trans). New York: The Mershon Company Press.
- Verhaeghe, Paul (2006), (Enjoyment and impossibility: Lacan's Revision of the Oedipus Complex), In Justin Clemens & Russell Grigg (Eds.), Jacques Lacan and the Other Side of Psychoanalysis, Durham and London: Duke university press.
- Howarth, David (2006), (Space, Subjectivity, and Politics), *Journal of Alternatives*, Vol. 31: 105-134.
- Humphrey, Caroline (2008), (Reassembling individual subjects), *Journal of Anthropological Theory*, Vol. 8, No.4: 357-380.
- Kirschner, Suzanne R (2013), (The many challenges of theorizing subjectivity), *Journal of Culture & Psychology*, Vol. 19, No. 2: 225-236.
- Lacan, Jacques (1997a), The Seminar of Jacques Lacan Book III, Jacques-Alain Miller (Ed.) (Russell Grigg Trans.), New York London: Norton Press.
- Lacan, Jacques (1991), The Seminar of Jacques Lacan Book II, Jacques-Alain Miller (Ed.) (John ForresterTrans.), New York London: Norton Press.
- Lacan, Jacques (1997b), The Seminar of Jacques Lacan Book VI, (Dennis Porter Trans.), New York London: Norton Press.
- Lacan, J. (2006). *Jacques Lacan and the Other Side of Psychoanalysis Book XVI* (J. Clemens and R. Grigg Eds.). New York & London: Duke University press. Durham and London: Duke University Press.
- Laclau, Ernesto (1990), (New Reflections on The Revolution of Our Time), New York: Verso press.
- Lash, Scott (2012), (Deforming the Figure: Topology and the Social Imaginary), *Journal of Theory, Culture & Society*, Vol. 29, No. 4/5: 261-287.
- Lefebvre, Henri (1991), (The production of space), (Donald Nicholson-Smith Trans.), Massachusetts: Blackwell press.
- Lury, Celia; Parisi, Luciana & Terranova, Tiziana (2012), (Introduction: The Becoming Topological of Culture), *Journal of Theory, Culture & Society*, Vol.29, No. 4/5: 3-35.
- Milovanovic, Dragan (1992), (Rethinking Subjectivity in Law and Ideology: A Semiotic Perspective), *Journal of Human Justice*, Vol. 4, No. 1: 31-53.
- Maffesoli, Michel (2004), (Everyday tragedy and creation), *Journal of Cultural Studies*, Vol.18, No.2-3: 201-210.
- Mubi Brightenti, Andrea (2011), (Elias Canetti and the counter-image of resistance), *Journal of Thesis Eleven*, Vol.106, No.1: 73-87.